



## نظام سلامت و حقوق شهروندی

### صابر خیری جیرانسفلی

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب، ایران (نویسنده مسئول)

#### چکیده

بارها شنیده‌ایم و دیده‌ایم که جامعه‌ای که از لحاظ سلامت روحی و روانی از جامعه آماری مثبتی برخوردار است. در آن جامعه حقوق شهروندی به‌طور دقیق اجرا شده، و دستگاه‌های قضایی و اجرایی نسبت به رعایت حقوق شهروندی حساس بوده و در اجرای بهینه حقوق شهروندان خود را دارند از این رو است که توجه لازم و بایسته به حق بر سلامت عمومی شهروندان از سوی دولت‌ها فارغ از ساختار نظام سیاسی آن‌ها امری ضروری به نظر می‌رسد. تهیه، تدوین و تصویب حجم وسیعی از اسناد و معاهدات بین‌المللی مرتبط با حق بر سلامت عمومی و نیز وضع قوانین و مقررات موضوعه داخلی در این زمینه خود دلیلی بر این مدعا است. با این وجود، پیشینه فعالیت و اقدامات دولت‌ها و نیز اشخاص حقوق عمومی تنظیم‌کننده مقررات سلامت عمومی حاکی از عدم وجود شناخت لازم و جامع از سوی اشخاص و نهادهای مسئول در حوزه سلامت عمومی و نیز عدم توجه کافی به چالش‌ها و الزامات دولت‌ها در تنظیم مقررات در حوزه سلامت عمومی شهروندان به‌مثابه حقی ذیل حقوق شهروندی، کوشش گردیده است تا چالش‌های دولت‌ها در تنظیم مقررات در حوزه سلامت مورد تحلیل قرار گرفته و الزامات لازم الرعایه از سوی دولت‌ها در این زمینه بیان گردد.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق شهروندی، سلامت روان، جامعه، نظام سلامت



## مقدمه

دولت، از مهم‌ترین نهادهای بشری است که نقش و اهمیت آن در طول تاریخ زندگی اجتماعی انسان بر همگان روشن و مبرهن است. سال‌ها است که انسان برای تحقق نظم عمومی و سهولت زندگی شهروندان و بهره‌مندی از امنیت داخلی و دفاع در برابر دشمنان خارجی و مواردی نظیر این، نهاد دولت (Government) را سامان داده است، اگرچه در دوران مختلف زمانی جنبش‌های اجتماعی گوناگونی برای تغییر ساختار و حدود اختیارات و تکالیف دولت‌ها در مقابل شهروندان جوامع سیاسی شکل گرفته است، با این حال، هیچ دیدگاه و رویکرد جامعه‌محوری نبوده که دولت را در باور خود راه نداده باشد.

در اندیشه حقوق عمومی، حفظ بهداشت عمومی و تأمین سلامت عمومی شهروندان به مثابه حقی بشری از جمله تکالیف غیرقابل انکار دولت‌ها در مقابل شهروندان می‌باشد اساساً. تأمین سلامت عمومی شهروندان در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی جوامع معنا و مفهوم می‌یابد و از سوی اشخاص ذی‌صلاح حقوق عمومی اعمال می‌گردد. تأمین سلامت عمومی شهروندان توسط دولت که خود طیف وسیعی از اعمال و اقدامات در حوزه سلامت را شامل می‌گردد، نوعی از مداخله دولت در سطح جامعه می‌باشد. این اقدام به منظور حفظ و گسترش سلامت عمومی شهروندان و نیز ارتقای سطح سلامت آن‌ها از طریق تنظیم مقررات (Regulation) و نظارت بر آن و جهت اجرای سیاست‌ها و فرآیندهای خط‌مشی ساز در حوزه سلامت به کار می‌رود. این مسأله ظهور انواع نظریات حقوقی درباره میزان و نحوه دخالت دولت در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی در دوران معاصر، لزوم روشن ساختن جایگاه دولت در قالب نظام‌های حقوقی را امری ضروری ساخته است. با این وجود، با توجه به سابقه تاریخی موضوع و تجربه کشورهای مختلف جهان، به نظر می‌رسد که لازم است همواره میزان بهینه‌ای از مداخله دولت در هر دو حوزه مورد اشاره حفظ شود تا جامعه نه از افراط حداکثری و نه از تفريط حداقلی مداخله دولت متضرر نشود و در این مسیر منافع عمومی شهروندان نیز تضمین گردد. دولت خواه به عنوان کارفرما، تنظیم‌کننده مقررات یا ناظر و سیاست‌گذار ناگزیر از دخالت در حوزه سلامت می‌باشد. از این رو است که حفظ بهداشت عمومی و تأمین سلامت عمومی شهروندان بدون مداخله و اعمال نظارت دولت با دشواری‌های بسیاری در مقام عمل مواجه خواهد بود.

سلامتی یا حق سلامتی یکی از حقوق اساسی بشر است که در اسناد حقوق بشری بر اهمیت آن تأکید شده است سلامت فردی به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در نظام سلامت در نظام بین‌المللی و ملی به رسمیت شناخته شده است حوزه‌های مربوط به سلامتی متنوع بوده و دارای ابعاد گوناگون است و این به طوری که عاملی برای دشواری تعریف حق مزبور شده است در اسناد حقوق بشری عمدتاً از سلامت جسمی و روانی و بعضاً از سلامت معنوی و اجتماعی حمایت شده است دولت‌ها نیز به طور کلی در ارتباط با تأمین و تضمین حق دارای مسئولیت‌های معینی می‌باشند واضح است که دولت‌ها می‌توانند به طور کلی و کامل سلامتی و مطلوب بودن سلامتی افراد را تضمین نمایند مسئولان و دولت‌ها می‌توانند شرایطی را فراهم آورند که در آن سلامتی افراد مورد حمایت قرار بگیرد و ساز کارهای این حمایت را دولت‌ها فراهم می‌آورند و امکانات لازم را در اختیار مراجع ذی‌صلاح قرار می‌دهند تا نسبت به اجرای ارتقای نظام سلامت اقدام نموده و ضمانت اجرای آن را فراهم می‌آورند.

## نظام سلامت و اهمیت آن

نظام سلامت خوب یعنی اینکه شهروندان در کمال امنیت و آرامش روحی و روانی به دنبال پیش از خود در شورا و سایر مسائل باشند و ذهن مردم درگیر مسائل مرتبط با سلامت روحی و روانی و جسمی نباشد و هر که نظام سلامت جامعه مثبت باشد به معنای رعایت حقوق شهروندی می‌باشند حق شهروندی مرتبط با نظام سلامت را می‌توان چندین حوزه بررسی کرد یعنی اینکه شهروندان از حق برخورداری از پزشکان خوب و امکانات خوب بیمارستان خوب در کمترین زمان و در بهترین مکان باشند بدون



اینکه واهمه‌ای به جز بیماری نداشته باشند و صرفاً درد بیماری را تحمل بکنند نظام سلامت از منظر اداری نیز قابل بررسی می‌باشند یعنی اینکه کلیه ادارات جامعه‌ای از نظام سلامت مثبتی برخوردار باشند و در آن اهداف از پیش تعیین شده طبق روال قبلی و با برنامه‌های قبلی در مسیر توسعه و ترقی قرار گرفته و در کمال مطلوب و بدون حاشیه شاهد انجام امورات اداری باشیم بدون اینکه شاهد خلق علی مانند اختلاس رشوه دزدی اخراج یا تعدیل نیرو و ورشکستگی و زیان دهی باشیم در این مقاله تلاش شده است که ارتباط مستقیم نظام سلامت با رعایت حقوق شهروندی بیشتر مورد کنکاش قرار گیرد اما روشن‌ترین و کامل‌ترین بیان از حق بر سلامت در اسناد بین‌المللی در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ یافت می‌شود بند ۱ ماده ۱۲ میزان حق هر کس را به از بهترین حال سلامت و روحی ممکن الحصول به رسمیت می‌شناسد و بند ۲ ماده ۱۲ و در ادامه به اقداماتی که باید از سوی دولت‌های عضو در تحقق کامل اشاره می‌نماید حق سلامتی همچنین در اسناد حقوق بشری گر جایگاه برجسته‌ای دارد مانند ماده ۵ کنوانسیون کولی اشکال تبعیض نژادی‌ها کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ماده ۲۳ کنوانسیون حقوق کودک ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر اقتباس بر حق سلامت اشاره نموده است در این ماده آمده است الف هر کس حق دارد در سطح زندگی او سلامت و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک مسکن و مقاومت طلبی خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارند که در مواقع بیکاری بیماری نقص اعضا بیمه‌گری پیری یا تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده سان وسایل امرار و معاش از بین رفته باشد از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار باشند به مادران کودکان حق دارند که از کمک مراقبت‌های مس زوبین بهره‌مند شوند کودکان که بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشد حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار باشند.

### تعریف حقوق شهروندی

به طور کلی حقوق شهروندی را می‌توان به مجموعه‌ای کنوانسیون حاکم بر روابط اشخاص در جامعه‌ی شهروندی تعریف نمود حقوق شهروندی جز حقوق ذاتی و فطری انسان‌ها است همچنین این حقوق غیرقابل انتقال و تجزیه‌ناپذیرتر است به این صورت که عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگر حال این حقوق شهروندی به چه افرادی تعلق می‌گیرد در پاسخ به این سؤال ابتدا به بیان مفهوم شهروند راضی بنا بر باور برخی صاحب‌نظران شهرنشینان هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و به مسئولیت خویش در قبال جامعه عمل نمایند به شهروند ارتقا می‌یابند این قابل توجه این است که حقوق شهروندی به افرادی تعلق می‌یابد که تابعیت ۱ کشور داشته باشند همچنین باید افزود که حقوق شهروندی به تابعان ۱ کشور فارغ از رنگ قومیت نژاد دین و طبقه‌شان تعلق می‌یابد چنان که در کشور ما مسلمان بودن شرط برخورداری از حقوق شهروندی نیست در واقع این حقوق رنگ و ملی بر خود گرفته و به صفات گفته شده ارتباطی ندارد.

### رابطه حق بر سلامت عمومی با حقوق شهروندی

برخورداری و بهره‌مندی از محیط‌زیست و زندگانی سالم، و تأمین بهداشت عمومی و نیز سلامت عمومی شهروندان در زمره اهداف اساسی تشکیل دولت‌ها قابل بررسی و احصاء می‌باشد. وجود ارتباط معنادار میان حق بر سلامت عمومی با مفاهیم حقوق بشری و حقوق شهروندی در سال‌های اخیر باعث گردیده است تا ضمن توجه ویژه از سوی نهادهای ملی و فراملی مرتبط در حوزه سلامت در جهت شناسایی و عینیت بخشیدن به حقوق مورد بحث، اقدامات تقنینی و اجرایی خاصی نیز در این زمینه انجام پذیرد. امروزه، این دولت‌ها هستند که مسئول و متولی تأمین سلامت عمومی، بهداشت عمومی، اخلاق عمومی و مصالح عمومی شهروندان می‌باشند، لذا در روزگار کنونی، کمتر ایدئولوژی سیاسی و یا مکتب اجتماعی است که در مورد مسؤلیت‌ها و تکالیف دولت‌ها در ارتباط با تأمین سلامت عمومی شهروندان و اقدام در جهت پیشگیری از ابتلای شهروندان به بیماری‌ها و

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشانی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۲۱۳۷۲۵۵۰۶-۹ داخلی ۲۳۶ و ۲۳۳



درمان آن‌ها تردیدی به خود راه دهد. حق بر سلامت عمومی شهروندان از منظر هر دو نظریه حقوق طبیعی و نیز حقوق وضعی، اثباتی و یا پوزیتیویستی محملی برای ثبوت و احقاق پیدا می‌نماید، اگرچه برخی از حقوق شهروندی در سنین و شرایط خاصی معنا می‌یابند، اما حق بر سلامت عمومی خواه به عنوان حقی بشری و خواه در ذیل حقوق شهروندی با متولد شدن افراد ظهور و بروز پیدا نموده و حقی را برای فرد به عنوان عضوی از جامعه و تکلیفی را برای دولت به عنوان حکمران و زمامدار امور در جامعه ایجاد می‌نماید.

در اینجا است که عموماً دولت مشروع، مؤلفه‌های اصلی حقوق بشری را در ضمن مجموعه حقوق اساسی شهروندان درج می‌کند و بدان رنگ ملی می‌دهد و آن را از الزامات و ضمانت اجراهای قانونی برخوردار می‌کند، لذا در یک رویکرد کلان می‌توان حقوق شهروندی را بخشی از همان حقوق اساسی قانونی در کنار حقوق بشری و اخلاقی دانست که برخلاف این دو ضمن برخوردارگی از ضمانت اجرا، رنگ ملی یا تعلق منطقه‌ای یافته است. با این توضیحات، شهروند در نظریه سیاسی نوین، تبعه‌ای سیاسی شناخته می‌شود که دارای حقوق مدنی (برابری در برابر قانون، آزادی شخصی، آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی ایمان، حق مالکیت و حق بستن قرارداد با دیگران، (حقوق سیاسی) حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق مشارکت در حکومت)، حتی حقوق اجتماعی و اقتصادی است که از دسترسی برابر به تندرستی گرفته تا مقررات حقوق کار را دربر می‌گیرد.

شهروندی در اوضاع و احوالی معین، مانند موقعیتی همسان با رفاه و امنیت است که گروهی با تولد از آن برخوردار می‌شوند و به دیگران ممکن است داده و یا از ایشان پس گرفته شود، لذا شهروند شدن، به دست آوردن موقعیتی حقوقی، برابر با سایر شهروندان و برخوردار شدن همگام با آن‌ها از برخی حقوق و داشتن وظایف مشترک است. حال سؤال اینجا است که آیا این برابری تنها در جنبه‌های مدنی و سیاسی شخصیت حقوقی شهروند است یا بُعدی اجتماعی - اقتصادی نیز دارد؟ با این تفصیل، آیا حق بر سلامت عمومی نیز در زمره این دسته از حقوق قابل شناسایی و مآلاً قابل استیفاء است یا خیر؟ با توجه به مطالب مذکور در سطور پیشین، پاسخ به این سؤال مثبت است.

### جایگاه حق بر سلامت عمومی در قوانین ملی و معاهدات بین‌المللی و مسأله تعهدات دولت‌ها

امروزه با توسعه مفاهیم حقوق اجتماعی، حقوق اقتصادی، حقوق فرهنگی و حقوق سیاسی پس از تصویب میثاقین، یعنی میثاق حقوق مدنی سیاسی و نیز میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انواع مختلفی از حقوق برای انسان‌ها به رسمیت شناخته شده است که بیگمان، تمامی آن‌ها به دلیل وقوع تحولات سیاسی اجتماعی حادث در قرن بیستم و حتی سال‌های پیش از آن می‌باشد. حال، سؤال اینجا است که به راستی این حقوق ناظر بر چه حقوق و تکالیفی برای شهروندان و دولت‌ها بوده و در راستای تحقق حداکثری آن‌ها چه اقدامات خاصی می‌بایست از سوی دولت‌ها انجام پذیرد؟ و اگر از حقوق اجتماعی نظیر بهداشت، امنیت اجتماعی، آموزشی و مانند آن‌ها سخنی گفته شود، منظور چیست؟ در مقایسه با حقوق فردی چه جایگاهی دارند؟ آیا از حقوق موضوعه هستند یا اهداف آرمانی؟ و مسؤولیت تحقق یا عدم اجرای آن‌ها متوجه کیست؟

به طور کلی، حقوق اجتماعی از مرز حقوق فردی و آزادی‌های سنتی فراتر می‌رود و شامل یک سلسله مسائل اقتصادی و اجتماعی زیربنایی در جامعه می‌شود که حل آن بدون یک برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی گسترده و دقیق و حمایت مؤثر از دولت، انجام‌پذیر نیست. حق بر سلامت عمومی، به عنوان زیربنایی دیگر حقوق مندرج در نسل‌های سه‌گانه حقوق بشر در ارتباط تنگاتنگی با حق حیات و حق برخورداری از رفاه و تأمین اجتماعی می‌باشد.

لازم به ذکر است که حق بر سلامت امروزه با هر کدام از رویکردهای حقوق طبیعی یا فطری و حقوق بشری یا موضوعه قابل شناسایی، قابل احترام و قابل توجیه است به طوری که امروزه این دسته از حقوق در نظام حقوقی داخلی و نیز نظام حقوقی



بین‌المللی مورد توجه و تأکید قرار گرفته و در فرآیند شکل‌گیری نظم حقوقی داخلی و بین‌المللی به عنوان یکی از تعهدات اصلی واحدهای سیاسی و کنشگران ملی و بین‌المللی در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته است. تعداد قابل توجهی از اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی حقوق بشری حق بر سلامت را به انحای مختلف به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری به رسمیت شناخته‌اند. این اسناد مشتمل بر ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵ م.)، مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی (۱۹۴۶ م.)، ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ م.)، ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶ م.)، ماده ۵ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۵ م.)، ماده ۱۲ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹ م.)، ماده ۲۳ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹ م.)، ماده ۲۶ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹ م.)، ماده ۱۶ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۱ م.)، ماده ۱۱ منشور اجتماعی اروپایی (۱۹۶۱ م.) و ماده ۱۷ اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر اسلامی (۱۹۹۰ م.) می‌باشد (۶). با این وجود، امروزه در سطح ملی نیز حق مزبور در اکثر قوانین اساسی کشورها مورد شناسایی قرار گرفته است. در ادامه، به جایگاه حق بر سلامت عمومی در قوانین و مقررات موضوعه جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌گردد.

### حق بر سلامت عمومی در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران

امروزه، تضمین حق بر سلامت با وضع قوانین داخلی اعم از اساسی و عادی از سوی نهاد حاکمیت می‌تواند به نحو مؤثری در تحقق اهداف حمایتی از شهروندان عمل نماید. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در ذیل اصولی مثل اصل سوم، بیست و نهم و چهل و سوم حق بر سلامت عمومی و لزوم برخورداری شهروندان از بهداشت و درمان عمومی مناسب مورد شناسایی و تأکید قانون‌گذار قرار گرفته است. اشاره به این حقوق در قالب سیاست‌های کلی نظام، قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و چشم‌انداز بیست‌ساله نظام نیز حاکی از میزان اهمیت و پرداخته شدن به این امر در کشورمان می‌باشد. علاوه بر قانون اساسی که صریحاً به حق بر سلامت شهروندان ایرانی اشاره نموده است، در سند چشم‌انداز بیست‌ساله نیز جامعه سالم ایرانی را با عباراتی نظیر برخوردار از سلامت، رفاه اجتماعی، فرصت برابر و عادلانه بهره‌مندی از خدمات توصیف نموده است. همچنین در این سند به ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی که منجر به سلامت عمومی می‌شوند نیز به نحو مناسبی تأکید شده است.

### تعهدات دولت‌ها در قبال شهروندان

در ارتباط با حق بر سلامت عمومی حق بر سلامت عمومی به عنوان یکی از حقوق اجتماعی شهروندان در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶ م.) در قالب نسل دوم حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته است. بی‌تردید تعهدات دولت‌ها نیز در ارتباط با این دسته از حقوق شهروندان همانند دیگر اقسام این دسته از حقوق تعهداتی، مستلزم مداخله دولت است. مداخله‌ای که از یک سو می‌بایست در جهت تحقق هرچه مطلوب‌تر و باکیفیت‌تر با توان حداکثری اقدام شود و از دیگر سو ضمن برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری به طور تدریجی در جهت تأمین سلامت عمومی آحاد شهروندان گام برداشته شود.

در یک تقسیم‌بندی کلی، تعهدات دولت‌ها در قبال حق بر سلامت عمومی شهروندان را می‌توان تعهد به احترام تعهد به حمایت و سرانجام تعهد به ایفا و اجرا برشمرد. نکته قابل توجه در اجرای مفاد این حق در ارتباط با شهروندان، چالش موجود میان نوع و جنس تعهد دولت‌ها است.

بدین معنا که آیا این تعهدات در زمره تعهدات به وسیله قابل شناسایی‌اند و یا آنکه در ذیل تعهدات به نتیجه قابل ملاحظه و بررسی می‌باشند. در پاسخ به این پرسش می‌بایستی به این مقوله توجه ویژه داشت که اساساً نظر به تحقق تدریجی این موارد که متکی بر صرف هزینه از سوی دولت‌ها و نیز طی زمان با استفاده حداکثری از منابع در دسترس می‌باشد، دولت‌ها تماماً



مکلفاند تا با جهد و تلاش حداکثری در مسیر دستیابی به عالی‌ترین استانداردهای قابل حصول سلامت عمومی جسمی و روانی شهروندان خویش حرکت نمایند.

از این رو است که تعهدات دولت‌ها در قبال تأمین سلامت عمومی شهروندان را می‌بایست از نوع تعهدات به وسیله دانست. با این وجود، این گزاره نافی تعهدات دولت‌ها در عینیت بخشیدن به اهداف عالی‌ه مندرج در قوانین اساسی و نیز قوانین عادی مصوب مجالس قانون‌گذاری آن‌ها نمی‌باشد. بنابراین تعهدات دولت‌ها در قبال شهروندان در حوزه سلامت عمومی در دو محور تعهدات فوری مشتمل بر تأمین حداقل استانداردهای ضروری حق بر سلامت، جلوگیری از تبعیض نسبت به افراد در برخورداری از حق بر سلامت و اتخاذ اقدامات دقیق و مثبت در جهت تحقق تدریجی حق بر سلامت و نیز تعهدات تدریجی که مستلزم برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت و نیز سیاست‌گذاری و تقنین در حوزه سلامت بوده، قابل احصا می‌باشد.

همانند دیگر اقسام این دسته از حقوق، تعهداتی مستلزم مداخله دولت است. مداخله‌ی که از یکسو می‌بایست در جهت تحقق هرچه مطلوب‌تر و باکیفیت‌تر با توان حداکثری اقدام شود و از دیگر سو ضمن برنامه‌ریزی سیاست‌گذاری قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری به طور تدریجی در جهت تأمین عمومی آحاد شهروندان گام برداشته شود.

در یک تقسیم‌بندی، کلی تعهدات دولت‌ها در قبال حق بر سلامت عمومی شهروندان را می‌توان تعهد به احترام تعهد به حمایت و سرانجام تعهد به ایفا و اجرا برشمرد. نکته قابل توجه در اجرای مفاد این حق در ارتباط با شهروندان چالش موجود میان نوع و جنس تعهد دولت‌ها است. بدین معنا که آیا این تعهدات در زمره تعهدات به وسیله قابل شناسایی‌اند و یا آنکه در ذیل تعهدات به نتیجه قابل ملاحظه و بررسی می‌باشند. در پاسخ به این پرسش می‌بایستی به این مقوله توجه ویژه داشت که اساساً نظر به تحقق تدریجی این موارد که متکی بر صرف هزینه از سوی دولت‌ها و نیز طی زمان با استفاده حداکثری از منابع در دسترس می‌باشد، دولت‌ها تماماً مکلفاند تا با جهد و تلاش حداکثری در مسیر دستیابی به عالی‌ترین استانداردهای قابل حصول سلامت عمومی جسمی و روانی شهروندان خویش حرکت نمایند.

از این رو است که تعهدات دولت‌ها در قبال تأمین سلامت عمومی شهروندان را می‌بایست از نوع تعهدات به وسیله دانست با این وجود این گزاره نافی تعهدات دولت‌ها در عینیت بخشیدن به اهداف عالی‌ه مندرج در قوانین اساسی و نیز قوانین عادی مصوب مجالس قانون‌گذاری آن‌ها نمی‌باشد. بنابراین تعهدات دولت‌ها در قبال شهروندان در حوزه سلامت عمومی در دو محور تعهدات فوری مشتمل بر تأمین حداقل استانداردهای ضروری حق بر سلامت، جلوگیری از تبعیض نسبت به افراد در برخورداری از حق بر سلامت و اتخاذ اقدامات دقیق و مثبت در جهت تحقق تدریجی حق بر سلامت و نیز تعهدات تدریجی که مستلزم برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و بلندمدت و نیز سیاست‌گذاری و تقنین در حوزه سلامت، بوده، قابل احصا می‌باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

چنانکه در این پژوهش بیان گردید، حق بر سلامت از منظر هر دو رویکرد حقوق بشری و حقوق شهروندی حقی فراگیر، عام‌الشمول، انکارناپذیر و مستلزم رعایت برخی اصول حقوقی تغییرناپذیر و لازم‌الاجرا از سوی دولت‌ها است به نحوی که انجام اقدامات خاصی را از سوی دولت‌ها طلب می‌نماید. این حق که در بسیاری از اسناد و معاهدات بین‌المللی و نیز قوانین و مقررات موضوعه داخلی کشورها در سطح جهان شناسایی و مورد پذیرش قرار گرفته است، تعهدات و تکالیف حقوقی ویژه‌ای را برای قوای مجریه و دولت‌ها در سطح ملی و فراملی به وجود می‌آورد. با این اوصاف، به نظر می‌رسد شناسایی حق بر سلامت در ذیل حقوق شهروندی، با توجه به وجود ضمانت‌اجراه‌های عینی و دست‌یافتنی حقوق داخلی منطبق بر قوانین و مقررات موضوعه در چارچوب محدوده سرزمینی معین، زمینه لازم را برای ظهور و بروز این حق به نحو اکمل و احسن فراهم می‌کند و شهروندان



جوامع سیاسی را به نحو مطلوب‌تری قادر خواهد ساخت تا به حقوق قانونی خویش دست یازند، لذا اگرچه ممکن است هر دولت - کشوری با توجه به شرایط و مقتضیات مالی و بودجه‌ای خود و نیز سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و قوانین بالادستی خویش ارائه خدمات در حوزه سلامت را در مرتبه‌ای خاص از اولویت‌بندی از پیش تعیین شده قرار دهد، لیکن نفس لزوم ارائه خدمات مستمر در حوزه سلامت از سوی دولت‌ها با کیفیت بالاتر و هزینه پایین‌تر به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر افزایش میزان مطلوبیت و رضایت شهروندان امری خدشه‌ناپذیر می‌باشد. امری که دولت‌های پیشرو در اجرای حکمرانی خوب در سطح جهان، به نیکی به دنبال عینیت بخشیدن به آن می‌باشند. از این رو است که اشخاص حقوق عمومی به منظور شناسایی به هنگام نیازهای جدید و اقدامات خاص نظام‌مند در حوزه سلامت و نیز تنظیم روابط میان حاکمیت و اشخاص ثالث با شهروندان و یا همان استفاده‌کنندگان از خدمات سلامت در جامعه، ناگزیر از تنظیم مقررات و متعاقباً اعمال نظارت لازم جهت حصول اطمینان از تحقق مفاد مقررات وضع شده در این حوزه می‌باشند. تنظیم مقررات در حوزه سلامت به دلیل وجود ابعاد و جوانب مختلف حقوقی، سیاسی و اجتماعی دارای اهمیت، چالش‌ها و الزامات خاصی است که به تفصیل در این مقاله بدان پرداخته شد. از این رو پیشنهاد می‌گردد تا اشخاص و نهادهای ذی‌صلاح تنظیم‌کننده مقررات در حوزه سلامت، ضمن رعایت نمودن و مدنظر قراردادن این ملاحظات در تنظیم مقررات در حوزه سلامت با نگاهی جامع، منسجم، کل‌نگر و هدفمند به منظور تأمین هرچه مطلوب‌تر سلامت عمومی شهروندان و در نتیجه بالارفتن سطح رضایت آنان و اهداف مدنظر از ارتقای سلامت عمومی شهروندان به تنظیم مقررات در حوزه سلامت بپردازند.

همچنین با توجه به لزوم احتراز از هرگونه تصمیم‌گیری متعارض و برخلاف اصول در مقاطع مختلف زمانی، پیشنهاد می‌گردد در کشورهایی که از یکسو خواهان تضمین حق بر سلامت عمومی شهروندان خویش هستند و از دیگر سو از عدم انتظام امور در حوزه سلامت آسیب دیده‌اند، از طریق تصویب لایحه و یا طرحی در قوه مقننه و مجالس قانون‌گذاری اقدام به ایجاد و تأسیس نهاد تنظیم‌کننده مقررات بخشی در حوزه سلامت نمایند. بدیهی است این امر در نظام سلامت جمهوری اسلامی ایران نیز قابل انجام بوده و این اقدام می‌تواند آثار حقوقی بسیار مثبتی را برای شهروندان در حوزه سلامت دربر داشته باشد.

## منابع

1. Javid MJ. A critique on human rights philosophical foundations. Tehran: Mokhatab Publications; 2014. p.87-88. [Persian]
2. Bagheri A. [Translation of Le citoyen introduction choix de textes]. Gaille-Nikodimov M (Author). 2nd ed. Tehran: Farzanrooz Publications; 2012. p.15-26. [Persian]
3. Sharifi Tarazkouhi H. [Translation of Human rights]. Tomuschat C (Author). Tehran: Mizan Publications; 2013. p.18. [Persian]
4. Tabatabai Motameni M. Public liberties and human rights. 5th ed. Tehran: University of Tehran Press; 2011. p.142. [Persian]
5. Ale Kajbaf H. Concept and situation of Rights to Health under the International Human Rights bills. Iran J Med Law 2013; 7(24): 139-170. [Persian]
6. Alekajbaf H. Concept and situation of Rights to Health under the International Human Rights bills. Iran J Med Law 2013; 7(24): 139-170.
7. Constitution of the Islamic Republic of Iran. 1989.
8. General Policies of Islamic Republic of Iran in the health Field. 2014. Available at: <http://maslahat.ir/DocLib2/Approved%20Policies/Offered%20General%20Policies/general%20policies%20on%20healthy.aspx>. Accessed March 7, 2016.
9. Laws of the economic, social and cultural development plans of Islamic Republic of Iran. Available at: Laws and Regulations Portal of Islamic Republic of Iran, <http://dotic.ir/book/?B=1013>. Accessed March 7, 2016.



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت اجتماعی حقوقی پزشکی فراژدی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



10. Future Outlook of the Islamic Republic of Iran in the Horizon of 2024. Available at: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/132295>. Accessed March 7, 2016. [Persian]
11. Abbasi M, Rezaee R, Dehghani G. Concept and Situation of the Right to Health in Iran Legal System. Iran J Med Law 2014; 8(30): 183-199.
12. Tabatabai Motameni M. Administrative Law. 15th ed. Tehran: SAMT Publications; 2008. p.265-268. [Persian]
13. Hatami H, Razavi M, Eftekhar Ardebili H, Majlesi F. Textbook of Public Health. Tehran: Arjmand Publication; 2015. Vol.1 p.177-201. [Persian]





## Health System & Citizenship Rights

**Saber Kheiri Jeiransofla**

M.A Student in Jurisprudence & Fundamentals of Islamic Law, Payam Noor University, South Tehran Branch, Iran (Corresponding Author)

### Abstract

We have heard and seen many times that a society that has positive statistics in terms of mental health. In that society, citizen's rights are strictly implemented, and the judicial and executive bodies are sensitive to the observance of citizen's rights and they have their own rights in the optimal implementation of citizens' rights, therefore, the governments must pay attention to the right to public health of citizens. It seems necessary from the structure of their political system. Preparation, compilation and approval of a large volume of international documents and treaties related to the right to public health, as well as the establishment of domestic laws and regulations in this field, is a proof of this claim. Nevertheless, the background of the activities and actions of governments and public law entities regulating public health regulations indicates the lack of necessary and comprehensive knowledge on the part of responsible persons and institutions in the field of public health, as well as insufficient attention to the challenges and requirements of governments in regulating regulations. It is in the field of public health of citizens. In this article, while trying to provide an examination of the right to public health of the citizens as a right under the citizenship rights, an effort has been made to analyze the challenges of the governments in setting regulations in the field of health and to state the requirements that must be observed by the governments in this field.

**Keywords:** Citizenship Rights, Mental Health, Society, Health System